



ارائه مدل تحلیلی برای ارتقاء امنیت شهری از طریق رویکرد امنیت طراحی (SBD) (مطالعه موردی: منطقه ۱۷ شهرداری تهران)

حسین ذبیحی: استادیار شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران
تایماز لاریمیان: کارشناس ارشد طراحی و برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران *
حمیده پورانی: کارشناس ارشد طراحی و برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران

دریافت: ۱۳۹۰/۱۲/۱۲ - پذیرش: ۱۳۹۱/۵/۲۲، صص ۱۳۶-۱۱۹

چکیده

رویکرد امنیت از طریق طراحی، یکی از موثرترین و کاراترین رویکردها در زمینه ارتقاء امنیت شهری است که می‌تواند نقش بسزایی در ایمن سازی فضاهای شهری ایفا نماید این رویکرد تاکنون در ایران معرفی نشده و مورد استفاده قرار نگرفته است. بدین منظور، هدف از این مقاله ارائه مدلی تحلیلی برای سنجش امنیت شهری و معرفی رویکرد امنیت از طریق طراحی است. در این راستا، ناحیه سه از منطقه ۱۷ تهران که به دلیل ویژگی‌هایی مانند تراکم جمعیتی بالا، فرسودگی و فشردگی بیش از حد بافت و گسیختگی کالبدی به دلیل عبور دو مسیر راه‌آهن از داخل بافت این منطقه دارای مشکلاتی نظیر پایین بودن وضعیت امنیت شهری و وجود احساس ناامنی در بین ساکنان است، به عنوان نمونه بررسی می‌شود. در پژوهش حاضر، روش تحقیق بر اساس هدف، از نوع کاربردی و براساس روش و ماهیت، توصیفی - تحلیلی و روش تجربی - پیمایشی است. بنابراین، در تبیین ادبیات و سوابق موضوع تحقیق و ارائه مدل تحلیلی از مطالعات کتابخانه‌ای و برای جمع‌آوری اطلاعات با توجه به ماهیت تحقیق از روش‌های میدانی استفاده شده است. همچنین برای ارزیابی و اولویت‌بندی شاخص‌های ارائه شده در مدل تحلیلی از تکنیک سلسله‌مراتبی فازی استفاده شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان دهنده تفاوت میزان امنیت شهری در میان پهنه‌های چهارگانه محدوده مطالعاتی است به نحوی که پهنه ۴ امن‌ترین پهنه در محدوده محسوب می‌شود. همچنین از میان اصول و معیارهای مورد بررسی، اصل "امنیت فیزیکی" و معیار "دشواری آماج جرم" با وزن‌های ۰.۲۹ و ۰.۶۸ بیشترین نقش را در ارتقاء امنیت شهری در محدوده مطالعاتی بر عهده داشته‌اند.

واژه‌های کلیدی: امنیت شهری، تهران، تکنیک تحلیل سلسله‌مراتبی فازی (Fuzzy AHP)، راهکارها و استراتژی‌ها

۱- مقدمه

۱-۱- طرح مسأله

یکی از مهمترین مباحثی که طی سالهای گذشته به دلایل گوناگونی نظیر تراکم جمعیت و کاهش روابط چهره به چهره انسانی، مد نظر برنامه ریزان و مدیران شهری قرار گرفته است، مقوله امنیت شهروندان است. وجود امنیت در محیط‌های شهری یکی از الزامات اساسی کیفیت زندگی محسوب می‌شود (صالحی، ۱۳۸۳). امروزه با توجه به گسترده‌گی شهرنشینی و رواج ناامنی‌های اجتماعی در شهرها، مطالعه موضوع امنیت، عوامل مؤثر بر آن و راهکارهای تقویت امنیت در شهرها ضرورت یافته است. پژوهشگران و متخصصان شهری در دهه‌های اخیر به نقش شهرسازی از طریق اتخاذ تدابیر و سیاست‌ها در خلق محیط‌های مطلوب و ترکیب مناسب کاربری‌های مختلف شهری در پهنه فضاهای موجود شهر و ... آگاهی یافته و در این زمینه به نظریه‌هایی از جمله نظریه فضاهای قابل دفاع، پیشگیری از وقوع جرم از طریق طراحی محیطی و جرم شناسی محیطی دست یافته‌اند و بر این عقیده‌اند که با بکارگیری اصول و پایه‌های نظریه‌های یاد شده در شهرسازی می‌توان از وقوع جرم و بزهکاری در محیط شهری پیشگیری نموده و یا میزان آنرا کاهش داد و به این ترتیب میزان امنیت شهروندان را ارتقاء بخشید. یکی از رویکردهای جدید در حوزه امنیت شهری، رویکرد امنیت از طریق طراحی است.

ایده اصلی رویکرد امنیت از طریق طراحی در این است که محیط فیزیکی نقشی مهم در وقوع جرم بازی می‌کند (Armitage, 1999). بر این اساس رویکرد حاضر را می‌توان طراحی مناسب و به کارگیری بهینه محیط مصنوع در کاهش جرایم شهری دانست که در بهبود کیفیت زندگی و افزایش رضایت‌مندی شهروندی تاثیر بسزایی دارد (Cozens, 2002). در تهران، آمارها نشان می‌دهد که رابطه معنی داری بین مناطق مختلف و ماهیت و تکرار جرایم وجود دارد بنابراین، می‌توان این مناطق را بر پایه کیفیت امنیت شهری طبقه بندی نمود (احمدی، ۱۳۸۵). متأسفانه در برخی از مناطق تهران که به دلایل مختلف اجتماعی و اقتصادی و حتی فعالیتی، زمینه‌های مساعدتری برای بروز و تشدید ناامنی وجود دارد شرایط زندگی اجتماعی مردم دچار مشکلات جدی شده است و به نظر می‌رسد باید در حوزه‌های مختلف علمی (و از جمله شهرسازی) برای شناسایی و رفع مشکل، اقدامات جدی صورت پذیرد. از این دست مناطق، منطقه ۱۷ شهرداری تهران است که دارای ویژگی‌هایی مانند تراکم جمعیتی بالا، قطعات کوچک مسکونی، بکارگیری مصالح غیر استاندارد در ساخت بنا، فرسودگی و فشردگی بیش از حد بافت، شبکه معابر کم عرض، وجود کاربری‌های فرا شهری در منطقه، عدم تطابق در نسبت نحوه استفاده از اراضی شهری معمول با نسبت کاربری‌های منطقه، گسیختگی کالبدی بافت به دلیل عبور دو مسیر راه آهن (تهران - تبریز و تهران -

می‌رسد ریشه برخی از آنها را باید در عدم توجه برنامه‌ریزان و مدیران شهری در تدوین و اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های شهری بهینه جستجو کرد که نیازمند ارائه راهکارهای مناسب در بهبود امنیت شهری است.

ناحیه سه از شهرداری منطقه ۱۷ تهران، از جمله مناطقی است که به دلایل گوناگون کالبدی، کارکردی، اقتصادی و غیره دچار مشکلات ضعف امنیت شهری می‌باشد به گونه‌ای که احساس ناامنی در شهروندان سبب بلااستفاده ماندن برخی از فضاهای موجود در محدوده و افزایش پتانسیل جرم زایی در این نواحی می‌گردد. دویارگی بافت توسط عبور خطوط راه آهن تهران- تبریز و تهران- جنوب از یک سو، و فرسودگی و فشردگی بافت و تراکم بالای جمعیتی در محدوده از سوی دیگر، سبب افزایش نارضایتی ساکنان منطقه ۱۷ و بروز مشکلات عدیده‌ای برای آنان گردیده است. همچنین با توجه به سوابق حاصل از تاثیرات مثبت برنامه‌ریزی و طراحی شهری و رویکردهای کاهش جرایم از طریق اصلاحات کالبدی در افزایش میزان امنیت شهری، لزوم بکارگیری این تدابیر و رویکردها در محدوده مطالعاتی به منظور ارتقاء کیفیت محیطی و ایمن سازی هرچه بیشتر بافت این نواحی آشکار می‌گردد.

۳-۱- اهداف تحقیق

هدف اصلی طرح: هدف کلی این تحقیق بکارگیری رویکردی جدید (SBD) در جهت کاهش جرایم شهری و ارتقاء امنیت شهری در ناحیه ۳ از منطقه ۱۷ شهرداری تهران است.

جنوب) از داخل بافت این منطقه و ... است. وجود موارد یاد شده به همراه سایر عوامل مرتبط، ساکنان منطقه را با مشکلاتی مواجه ساخته است که از آن جمله پایین بودن وضعیت امنیت شهری در منطقه و وجود احساس ناامنی در بین ساکنان است. پژوهش حاضر به بررسی وضعیت امنیت شهری در ناحیه سه از منطقه ۱۷ شهرداری تهران می‌پردازد و پهنه‌های چهارگانه در این ناحیه را با بکارگیری تکنیک تحلیل سلسله مراتبی فازی از نظر میزان امنیت شهری رتبه‌بندی می‌نماید.

۲-۱- اهمیت و ضرورت

امروزه توجه به مفهوم امنیت شهروندان و روشهای ارتقاء آن، به عنوان یکی از اولویت‌های اساسی طراحان و برنامه‌ریزان شهری تبدیل شده است. توجه به امنیت شهری به عنوان بستر اساسی برای ایجاد ارتباطات اجتماعی و ارائه خدمات عمومی و در نتیجه ایجاد شهری پایدار و سالم، مورد اتفاق نظر عمومی نظریه پردازان شهری است. بی تردید نمی‌توان بدون توجه به این عامل شرایط توسعه مطلوب و پایدار شهری را فراهم ساخت. لکن در کشور ما اصولاً توجه به مقوله امنیتی از بعد غیر نظامی آن پدیده‌ای جدید محسوب می‌شود و قاعدتاً کمبود تحقیقات و مطالعات در این زمینه امری بدیهی است. با این وجود آمارهای افکار سنجی‌های مختلف و تحقیقات پراکنده‌ای که در این ارتباط در برخی شهرهای کشور از جمله تهران انجام شده است، احساس ناامنی شهروندان از جرائم و موقعیت‌های مختلف را نشان می‌دهد و به نظر

اهداف فرعی:

- ارائه مدل تحلیلی از شاخص‌های موثر در ارتقاء امنیت شهری محدوده مطالعاتی
- اولویت بندی معیارها و زیرمعیارهای موثر در ارتقاء امنیت شهری محدوده مطالعاتی براساس اصول رویکرد امنیت از طریق طراحی
- مقایسه نواحی چهارگانه ناحیه ۳ منطقه ۱۷ از نظر میزان امنیت شهری

۴-۱- پیشینه پژوهش

رویکرد امنیت از طریق طراحی (SBD) در سال ۱۹۸۹ با هدف تشویق توسعه دهندگان مسکن برای طراحی مکان‌هایی ایمن در مرحله برنامه‌ریزی، ایجاد گردید. هدف از این رویکرد، کاهش جرایم از طریق طراحی محیطی است. اشارات ویژه در زمینه توان بالقوه طراحی در کاهش جرایم و کنترل و نظارت محیطی، در ده‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ با تحقیقات انجام شده توسط نویسندگانی نظیر جیکوبز^۱ (Jacobs, 1961: 45)، جفری^۲ (Jeffery, 1971: 78) و نیومن^۳ (Newman, 1973: 110-112) آغازگردید. کار آنها سبب رواج ایده تاثیر طراحی شهری در کاهش جرایم محیطی شد. مطالعات بعدی بر روی جغرافیای جرم (هریس^۴) (Harries, 1974: 96) و پایل^۵ (Pyle, 1974: 63-64)، ترس از جرم (اسمیت^۶) (Smith, 1984: 289) تمرکز نمودند.

با اقدامات جیکوبز، تمرکز تحقیقات به میزان قابل توجهی به نقش طراحی شهری معطوف شد. به اعتقاد او، فقدان "نظارت طبیعی" در محیط سبب بروز جرایم می‌گردد. در کتاب مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا، جیکوبز چهار ویژگی عمده جهت ایمن سازی خیابان‌ها را این گونه برمی‌شمارد: - طراحان و برنامه‌ریزان شهری نباید تصور کنند که به تمامی نیازهای ساکنان واقفند. - لزوم تفکیک روشن فضاهای عمومی و خصوصی. - اشراف ساختمان‌ها بر خیابان، سبب افزایش "چشمان ناظر بر خیابان" و ارتقاء نظارت طبیعی می‌شود. - خلق فضاهای پویا که سبب ترغیب افراد برای حضور در خیابان‌ها (چشمان ناظر بر خیابان) می‌شود (Jacobs, 1961: 52). جفری (۱۹۷۱) که خالق رویکرد "پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی" (CPTED^۷) است، به تاثیرات عواملی نظیر طراحی، روانشناسی، فیزیولوژی و زیست‌شناسی در بروز ناامنی اعتقاد دارد. او همچنین معتقد است که برای پیشگیری از جرایم باید هر دو جنبه اثرات محیط بر رفتار انسان و همچنین زمینه‌های ژنتیکی در بروز جرم، لحاظ گردد (Jeffery, 1971: 80).

اقدامات اسکار نیومن (۱۹۷۱) نقش بزرگی در ارتقاء امنیت شهری داشت. تأکید اصلی نیومن، بر خلق "فضاهای قابل دفاع" بود که دارای چهار عنصر اصلی برای طراحی بود. این عناصر به صورت جداگانه یا در کنار هم در خلق مفهوم فضای قابل

1 Jacobs
2 Jeffery
3 Newman
4 Harries
5 Pyle
6 Smith

ملزم به در نظرگیری نظریه "فضاهای قابل دفاع" و رویکرد "پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی" در طرح‌هایشان بودند (Armitage, 2000: 4). رویکرد امنیت از طریق طراحی در سال ۱۹۸۹ با استانداردسازی درب‌ها و پنجره‌ها در نواحی مسکونی آغاز به کار نمود. در سال ۱۹۹۲، کمیته فنی ملی برای SBD در انگلستان تشکیل شد. در سال ۱۹۹۷ نظارت بر استاندارد سازی درب‌های ورودی منازل مسکونی در انگلستان آغاز گردید. اولین تجدید نظر عمده به این رویکرد در سال ۱۹۹۹ صورت گرفت و سبب شد تا علاوه بر امنیت کالبدی، سایر اصول رویکرد امنیت از طریق طراحی در نظر گرفته شوند (Armitage, 2004: 15).

تحقیقات اخیر (آرمیتاژ^{۱۱} (Armitage, 1999)، براون (Brown, 1999)^{۱۲}، پاسکو^{۱۳} (Pascoe, 1999)) حاکی از تاثیرات چشمگیر این رویکرد در ایجاد امنیت شهری می باشد. از نظر آرمیتاژ (۲۰۰۹) صرف هزینه برای ساخت و یا بازسازی مسکن با توجه به استانداردهای رویکرد امنیت از طریق طراحی، سرمایه گذاری ارزشمندی محسوب می شود (Armitage and Monchuk, 2010). در نمودار زیر سیر تکامل نظریات مرتبط با جرایم محیطی ارائه شده است:

دفاع نقش داشتند. این مفاهیم عبارتند از: - قلمرو - نظارت - تصویر ساختمان - کنار هم قرار گرفتن تسهیلات مسکونی در کنار تسهیلات دیگر (Newman, 1973: 112). دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ شاهد ظهور "جغرافیای جرم" بود که بر روی مکان، فضا و قلمرو، به عنوان کانون‌های اکولوژی اجتماعی جرم تاکید داشتند. نظریه "فعالیت‌های روزمره" (کوهن و فلسون^۸) (Cohen and Felson, 1979: 589) نقش ساختار جامعه مدرن و فعالیت‌های معمول زندگی روزمره در ایجاد فرصت‌های بیشتر برای فعالیت‌های مجرمانه را مورد بررسی قرار می دهد. نظریه بسیار تاثیر گذار "پنجره‌های شکسته" از ویلسون و کلینگ^۹ (Kelling and Wilson, 1982)، بر روی اهمیت حیاتی نظارت محیطی به عنوان یک شاخص فیزیکی برای ایجاد انسجام اجتماعی و کنترل اجتماعی غیر رسمی تاکید داشت. اقدامات بعدی از دو نظریه اخیر تاثیر پذیرفتند.

رویکرد "امنیت از طریق طراحی" (SBD) را می توان تکامل یافته رویکرد "پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی" (CPTED) دانست (Armitage, 2000: 2). در انگلستان امنیت از طریق طراحی رویکردی ابتکاری است که در سال ۱۹۸۹ توسط انجمن افسران پلیس ۱۰ (ACPO) تدوین شده و از سوی واحد پیشگیری از جرم وزارت کشور حمایت گردید (Cozens and Pascoe, 2004: 14). به موجب این رویکرد، تمامی ساخت و سازهای جدید

11 Armitage

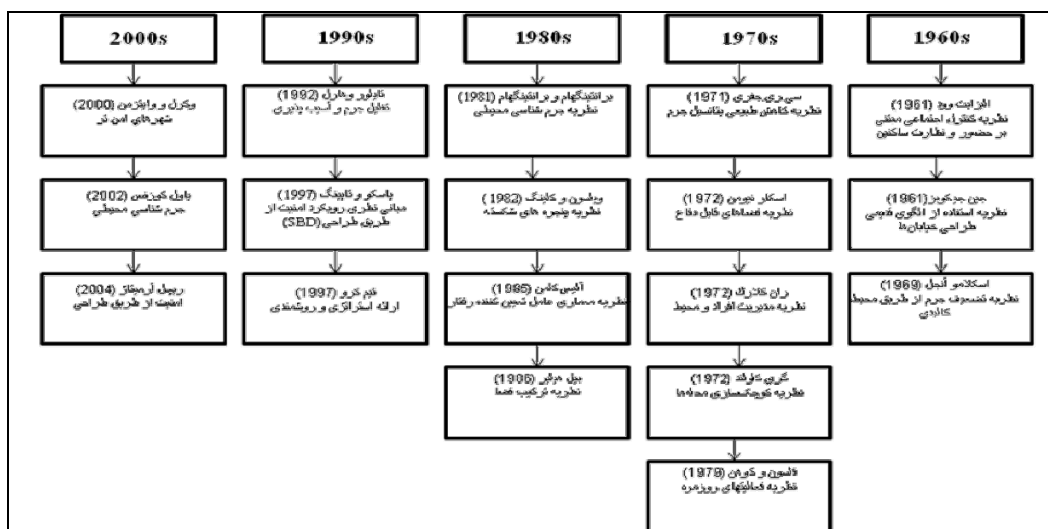
12 Brown

13 Pascoe

8 Cohen and Felson

9 Kelling and Wilson

10 Association Of Chief Police Officers



شکل ۱- نمودار سیر تکامل نظریات مرتبط با جرایم محیطی

۵-۱- سوال‌ها و فرضیه‌ها

با توجه به مطالعات و بررسی‌های انجام شده سوالات تحقیق به شرح زیر هستند:

- رویکرد امنیت از طریق طراحی چیست و بر چه معیارها و اصولی استوار است؟
- آیا اصول پنج گانه رویکرد امنیت از طریق طراحی وزن و اهمیت یکسانی در ارتقاء امنیت محیطی در محدوده مطالعاتی دارند؟
- آیا پهنه‌های چهارگانه محدوده مطالعاتی از نظر میزان امنیت شهری یکسان‌اند؟
- همچنین در این پژوهش دو فرضیه اصلی تدوین گردیده‌اند:

فرضیه اول: به نظر می‌رسد بین ساکنان نواحی چهارگانه محدوده مطالعاتی از نظر میزان احساس ناامنی تفاوت وجود دارد.

فرضیه دوم: از میان اصول پنجگانه رویکرد امنیت از طریق طراحی، امنیت کالبدی از همبستگی بیشتری با ارتقاء امنیت شهری در محدوده مطالعاتی برخوردار است.

۶-۱- روش تحقیق

در پژوهش حاضر، از روش تجربی-پیمایشی به منظور جمع‌آوری اطلاعات و برقراری ارتباط بین متغیرها استفاده شده است. همچنین در تبیین ادبیات و سوابق موضوع تحقیق، مطالعات کتابخانه‌ای گسترده‌ای بکار رفته است.

گفتنی است در این پژوهش به ارائه مدل تحلیلی ۵ سطحی از شاخص‌های موثر در ارتقاء امنیت شهری پرداخته شده و برای تعیین معیارها و زیرمعیارهای موجود در مدل، از مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده شده است. سپس پرسشنامه‌های طراحی شده میان ۱۵ نفر از خبرگان این حوزه متشکل از اساتید دانشگاهی، شهردار ناحیه ۳ از منطقه ۱۷ تهران و کارمندان شهرداری منطقه توزیع گردید. از سوی دیگر، برای تحلیل داده‌ها (اطلاعات به دست آمده از پرسش نامه‌ها)، اولویت‌بندی معیارها و زیرمعیارها و مقایسه میزان امنیت نواحی چهارگانه محدوده مطالعاتی از تکنیک تحلیل سلسله مراتبی فازی استفاده شده است. در این روش با تجزیه مساله

طراحی، جهت سنجش میزان امنیت شهری با توجه به ویژگی‌های محدوده مورد مطالعه و مرور ادبیات مربوطه انتخاب شده است. در سطح اول از مدل تحلیلی ارائه شده، هدف اصلی پژوهش که ارزیابی و اولویت‌بندی شاخص‌های موثر در ارتقاء امنیت شهری از منظر این رویکرد است قرار دارد. بدین منظور، سطح دوم مدل شامل اصول پنجگانه رویکرد امنیت از طریق طراحی است و در سطح سوم و چهارم به ترتیب معیارها و زیرمعیارهای هر یک از اصول قرار گرفته‌اند. همچنین در سطح پنجم از مدل، نواحی چهارگانه محدوده مطالعاتی قرار دارند.

تصمیم‌گیری به معیارهای آن، مدل تصمیم‌گیری به صورت سلسله‌مراتبی ساخته شده و اهمیت یا اولویت نسبی معیارهای تصمیم‌گیری با استفاده از مقایسات زوجی کیفی مشخص گردیده است. سپس ماتریس‌های مقایسات زوجی مولفه‌ها در نرم افزار صفحه گسترده Excel وارد شده است. همچنین برای ارزیابی معیارها از روش تحلیل گسترش یافته چانگ استفاده شده است.

۷-۱- معرفی متغیرها و شاخص‌ها

شاخصها و معیارهای به کار گرفته در این مطالعه در هریک از اصول پنجگانه رویکرد امنیت از طریق

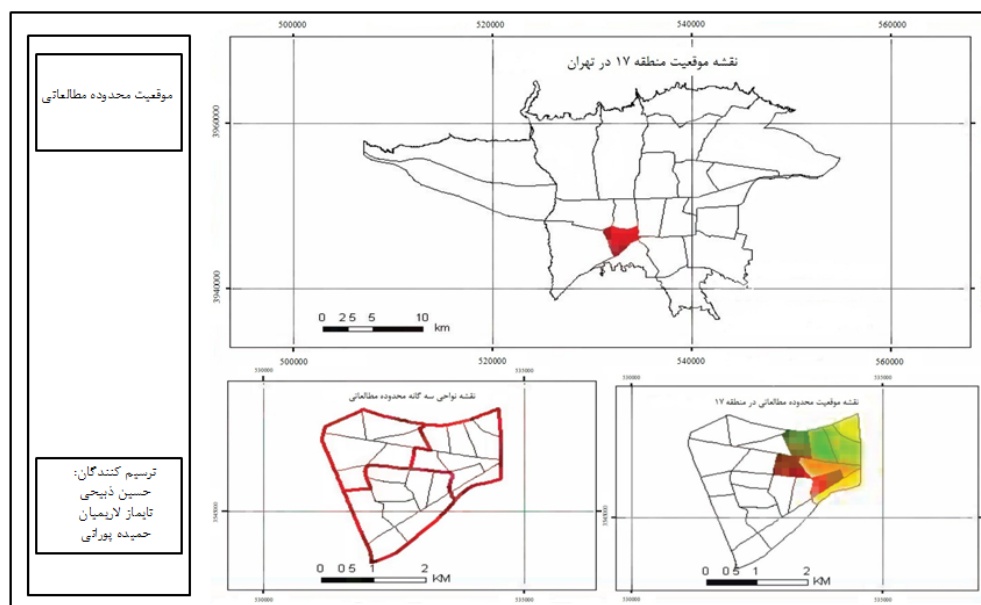
جدول ۱- مدل سلسله مراتبی AHP فازی پیشنهادی

هدف	اصول (W1)	معیارها (W2)	زیرمعیارها
ارزیابی و اولویت‌بندی شاخص‌های مؤثر در امنیت شهری از منظر رویکرد SBD	امنیت فیزیکی	طراحی مناسب ساختمان‌ها	حداقل لبه‌ها برای ورود به قلمرو عمومی ایجاد فضاهای قابل دفاع کاهش زوایای پنهان در طراحی
		تجدید ساخت یا حذف فضاهای آسیب پذیر	حذف ساختمان‌ها و فضاهای عمومی متروکه و بلا استفاده حذف فضاهای غیر ضروری و مبهم در ساخت و سازهای جدید
	نظارت	اختلاط مناسب کاربری‌ها	وجود کاربری‌های شبانه روزی در بافت سازگاری کاربری‌ها با یکدیگر
		نظارت مطلوب بر فضاها	اشراف دائمی ساختمان‌ها و کاربران بر مکان‌های آسیب پذیر وجود جداره‌ها و نماهای فعال در ساختمان‌ها قرارگیری بازشوها (درها و پنجره‌ها) به سمت خیابان
		نورپردازی مناسب فضاها	روشنایی کافی مکان‌های آسیب پذیر نورپردازی براساس حساسیت نیاز استفاده کنندگان
	ورودی/خروجی	چارچوب حرکتی مناسب	سهولت دسترسی و حرکت برای همه افراد جامعه ترکیب ایمن مسیرهای تردد (عابر پیاده، دوچرخه، اتومبیل) سرزندگی و پویایی مسیرهای تردد
		دشوار سازی آماج جرم	بکارگیری درها و پنجره‌های استاندارد طراحی کوچه‌های بن بست کوتاه و مستقیم نظارت ساکنان بر ورودی و خروجی‌های منازل
	قلمروپایی	جاذب جمعیت بودن فضاها	وجود عرصه‌های همگانی جهت استفاده گروه‌های سنی و فرهنگی مختلف وجود پاتوق‌ها و مراکز تفریحی- ورزشی ویژه جوانان
		تفکیک روشن فضاهای عمومی، نیمه عمومی و خصوصی	بکارگیری مناسب موانع کالبدی (درها، حصارها، دیوارها و...) قابل رویت بودن موانع و حصارها (فراهم نکردن فضای اختفاء مجرمان)
	مدیریت و نگهداری	ایجاد حس هویت و تعلق خاطر در ساکنان	مشارکت ساکنان در مدیریت و برنامه ریزی شهری علاقه مندی و رضایت ساکنان از محیط پیرامون
مکانیابی بهینه کاربری‌ها		برنامه ریزی دقیق کاربری‌های فرامنطقه‌ای طراحی مراکز بالقوه تجمع جاگذاری مناسب مبلمان شهری و تجهیزات عمومی	
	رسیدگی و نظارت مستمر بر فضاها	انگیزه‌های تجارت و سرمایه گذاری در منطقه کیفیت خوب عرصه‌های عمومی	

۸-۱- محدوده پژوهش

مترکم‌ترین منطقه از تهران نیز محسوب می‌گردد. این تحقیق به بررسی وضعیت امنیت شهری در ناحیه سه از منطقه ۱۷ می‌پردازد. همچنین به منظور تسهیل مطالعات، ناحیه سه به چهار پهنه تقسیم شده است.

منطقه ۱۷ شهرداری تهران از سه ناحیه تشکیل شده و از جمله بافت‌های فرسوده‌ی کلانشهر تهران بشمار می‌رود. همچنین این منطقه به عنوان



شکل ۱- موقعیت محدوده مطالعاتی

- گسست کالبدی بافت با عبور خطوط راه آهن (تهران-تبریز و تهران-جنوب) از داخل بافت؛
- کمبود خدمات شهری داخل بافت؛
- خانه‌ها و زمین‌های متروکه و مخروبه؛
- بلوک بندی درونگرا.
همچنین سنجش وضعیت فعلی محدوده براساس تکنیک SWOT نشان می‌دهد که شرایط و ویژگی‌های ناحیه ۳ که مهمترین بخش از منطقه ۱۷ محسوب می‌گردد عبارتند از:

وضعیت فعلی نشان می‌دهد که ناحیه ۳ از شهرداری منطقه ۱۷ محدوده ای است دارای ویژگی‌هایی نظیر:
- میزان فرسودگی و فشردگی بیش از حد بافت؛
- شبکه معابر کم عرض، کوچه‌های بن بست و قطعات کوچک مسکونی؛
- بکارگیری مصالح غیر استاندارد در ساخت بنا؛
- ساکنان کم درآمد و مهاجر؛
- وجود کاربری‌های فرا شهری در منطقه؛
- عدم تطابق در نسبت نحوه استفاده از اراضی شهری معمول با نسبت کاربری‌های منطقه؛

جدول ۱- ارزیابی محدوده مطالعاتی با استفاده از SWOT

تهدید	فرصت	ضعف	قوت
<ul style="list-style-type: none"> افزایش نا به همجاریهای اجتماعی در منطقه به دلیل دوباره شدن نوبت توسط خطوط راه آهن (تهران-جنوب و تهران-تبریز) گسستگی بافت به دلیل عبور بزرگراه نواب از لیه شرقی ناحیه تراکم بالای جمعیتی و کاربری مسکونی در محدوده ایجاد آلودگی های زیست محیطی و صوتی ناشی از وجود رسته آلومینیم سازی در محدوده 	<ul style="list-style-type: none"> وجود کاربری های فرا منطقه ای امکان استفاده از زمین های متروکه وجود زمین و مسکن ارزان برای خرید و اجاره وجود جواتان و نیروی کار ارزان امکان نوسازی بافت های فرسوده 	<ul style="list-style-type: none"> عدم وجود چشمان ناظر بر خیابان و عرصه های همگانی عدم توجه به نور پردازی مناسب فضا و تاریکی معابر در شب عدم خوانایی مسیرهای پیاده و سواره کمبود عرض معابر و خلوتی معابر در روز کاهش حس تعلق خاطر در مردم محل فقدان وجود نشانه های بصری و برانگیزاننده خاطره جمعی و تصاویر ذهنی. وجود تمایل به جابجایی به نقاط دیگر در بیشتر ساکنان منطقه. عدم داشتن هویت فضاهای شهری محدوده بی اعتمادی ساکنین نسبت به اقدامات شهرداری فقدان عرصه های عمومی با کیفیت مناسب در محدوده عدم وجود سیستم مدیریتی کارا و عدم مشارکت مردمی در فرایند مدیریت و نگهداری محدوده. حضور غریبه ها در محدوده و عدم آشنایی مردم با یکدیگر وجود زمین های ساخته نشده، فضاهای متروکه و ساختمان های نیمه کاره تراکم بالای منازل مسکونی و ازدحام جمعیت کمبود سرانه های خدماتی ناحیه ۳ نسبت به سرانه های موجود در منطقه 	<ul style="list-style-type: none"> سابقه سکونت طولانی در محدوده آشنایی بیشتر ساکنان با یکدیگر هزینه نسبتا پایین تامین مسکن

۲- مفاهیم، دیدگاه ها و مبانی نظری

۲-۱- معرفی رویکرد امنیت از طریق طراحی

رویکرد امنیت از طریق طراحی (SBD)، استفاده هوشمندانه از فضای انسان ساخت به منظور ارتقاء امنیت شهری در فرایند طراحی و برنامه ریزی محیط مصنوع است. در واقع می توان این رویکرد را به عنوان راهی برای تحقق شهری ایمن دانست که از اقدامات پیش گیرانه از طریق طراحی و برنامه ریزی شهری برای کاهش احتمال تجاوز و جرایم شهری بهره می گیرد. از اهداف اصلی این رویکرد، افزایش امنیت شهری از طریق کاهش جرایم در محیط شهری است (Atlas, 2000).

تحقیقات نشان می دهد که ساکنانی که در محدوده هایی که رویکرد امنیت از طریق طراحی در آنها پیاده سازی شده است زندگی می کنند، نصف دیگران احساس ناامنی می کنند و ۲/۵ برابر کمتر از

جرایم وسایل نقلیه رنج می برند. همچنین محدوده های توسعه یافته مطابق اصول این رویکرد سبب کاهش ۲۵ درصدی فرصت های مجرمانه می گردد (Monchuk and Armitage, 2010).

تاکید این رویکرد بر نحوه طراحی و استفاده از فضا است و در واقع نقش محیط را در ایجاد و یا ممانعت از بروز ناامنی حائز اهمیت می داند. فرایند پیاده سازی رویکرد امنیت از طریق طراحی در سه سطح از سطوح ماکرو تا میکرو طبقه بندی می شود. این سطوح عبارتند از: حفاظت از فضای پیرامون ساختمان ها، محیط داخل ساختمان ها و فضای داخلی واحدها. از سوی دیگر، پیاده سازی این رویکرد نیازمند همکاری نهادهای گوناگون اعم از: پلیس، طراحان و برنامه یزان شهری و مسکن سازان و غیره است. همچنین عامل مهمی که سبب موفقیت این پروژه ها می گردد نقش مقبولیت عمومی و مشارکت

جرایم را به میزان قابل توجهی کاهش داد و شرایط را برای ایجاد پایداری محیطی فراهم نمود.

- اشخاص در واکنش به فرصت، تخطی می‌کنند. میزان و نوع رفتارهای مجرمانه افراد در گروه فرصت‌های مجرمانه‌ای است که در دسترس آنان قرار می‌گیرد.

- یکی از موثرترین عوامل در فرآیند تصمیم‌گیری مجرمان، ناشی از تاثیر محیط بر روی آنان است؛ به همین دلیل می‌توان به ایمن‌سازی محیطی به عنوان یکی از مهمترین راهکارهای کاهش جرایم شهری اشاره کرد.

اصول رویکرد امنیت از طریق طراحی به طور گسترده‌ای از دو تئوری "فضاهای قابل دفاع" و "پنجره‌های شکسته" تاثیر پذیرفته‌اند. این تئوری‌ها می‌پندارند که وقوع جرایم به نحوی به عنوان یک واکنش در برابر وجود فرصت‌های مجرمانه در محیط است؛ به همین دلیل با از بین بردن فرصت‌ها می‌توان وقوع جرایم را به میزان زیادی کاهش داد. در زیر اصول پنجگانه این رویکرد به اختصار شرح داده شده‌اند:

- امنیت کالبدی: هدف از امنیت کالبدی، دشوار سازی آماج‌های جرم است، تا بدین وسیله کار مجرمین به هنگام ارتکاب جرم مشکل‌تر شود. امنیت کالبدی بر این فرض استوار است که می‌توان از طریق کاهش درجه آسیب‌پذیری فضاهایی که فرصت ارتکاب جرم را فراهم می‌آورند از وقوع جرم جلوگیری کرد. ایجاد امنیت کالبدی بدین معنا است که فضاها و اشیایی که معمولاً مورد تخریب یا سرقت واقع می‌شوند به نحوی طراحی شوند که در برابر جرم مقاوم بوده و از تخریب یا سرقت مصون بمانند.

مردمی در پیاده‌سازی آنها است (Partnership, 2004).

رویکرد امنیت از طریق طراحی بر این اندیشه مبتنی است که رفتار انسانی در یک محیط شهری تحت تاثیر طراحی محیط قرار دارد. این رویکرد تاکید دارد که با بهینه‌سازی فرصت‌های نظارت، ارائه تعریف مشخص و واضح از قلمرو و ایجاد تصویری مثبت از محیط می‌توان مجرمان را از ارتکاب جرم دلسرد نمود. این رویکرد دارای مزایای زیادی است که در زیر به برخی از مهمترین آنها اشاره می‌گردد (Cozens and Saville, 2005: 328-356):

- کاهش جرائم شهری و کاهش پتانسیل جرم خیزی مناطق شهری؛
- بهبود کیفیت زندگی؛
- افزایش رضایت شهروندی؛
- تشویق طبقات اجتماعی به حضور در شهر؛
- افزایش میزان همکاری محله‌ای و مشارکت؛
- افزایش فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی.

۲-۲- اصول رویکرد امنیت از طریق طراحی

برای رویکرد امنیت از طریق طراحی پنج رکن و ویژگی قابل تصور است: تعیین قلمرو (قلمروگرایی)، نظارت (اعم از رسمی و غیر رسمی)، کنترل ورودی و خروجی، امنیت فیزیکی، مدیریت و نگهداری. اصول پنج‌گانه این رویکرد، حاصل پیوند بسیاری از دیدگاه‌ها و تئوری‌های جرم‌شناسی‌اند. این اصول بر اساس فرضیات زیر پایه‌گذاری شده‌اند (Armitage and Monchuk, 2009: 308-327):

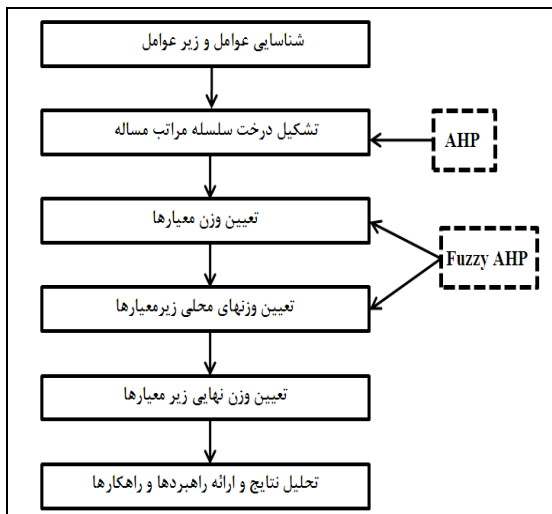
- جرم و جنایت دو مقوله‌ی اجتناب‌ناپذیر اند؛ ولی می‌توان از طریق برنامه‌ریزی و طراحی محیطی،

مثبت از محیط و حفظ و نگهداری مرتب و روزانه آن سبب افزایش ایمنی محیط می گردد.

۳- مدل فرایند تحلیل سلسله مراتبی فازی پیشنهادی

۳-۱- مراحل بکارگیری مدل در محدوده مطالعاتی

در این پژوهش به دو هدف عمده پرداخته می شود: اول اولویت بندی هر یک از معیارها و زیر معیارهای موثر در رویکرد امنیت از طریق طراحی، دوم سنجش میزان امنیت در هر یک از پهنه‌های چهارگانه محدوده مطالعاتی. مدل فازی پیشنهادی در این پژوهش برای سنجش اهداف ذکر شده شامل مراحل زیر است:



شکل ۲- نمودار فرایند شماتیک از مدل سلسله مراتبی

پیشنهادی

مرحله اول- تعیین معیارها و زیر معیارهای هر یک از اصول امنیت از طریق طراحی. معیارهای تعیین شده در نمودار درختی شکل ۲ به عنوان مهمترین فاکتورهای ارزیابی امنیت شهری تعیین گردیده‌اند.

مرحله دوم- تشکیل مدل سلسله مراتبی AHP براساس معیارها و زیر معیارهایی که در مرحله ۱

نظارت: محدوده‌های SBD به گونه‌ای طراحی می‌شوند که بیشترین نظارت طبیعی و غیر رسمی را بدون برهم زدن حریم خصوصی افراد مهیا سازند. انواع نظارت در این محدوده‌های شامل: نظارت طبیعی و غیر رسمی که توسط افراد و ساکنان انجام می‌گیرد، نظارت رسمی و سازمان یافته که توسط پلیس یا نگهبانان صورت می‌پذیرد و نظارت مکانیکی که شامل بهبود روشنایی و نصب دوربین‌های مدار بسته (CCTV) است می‌شود.

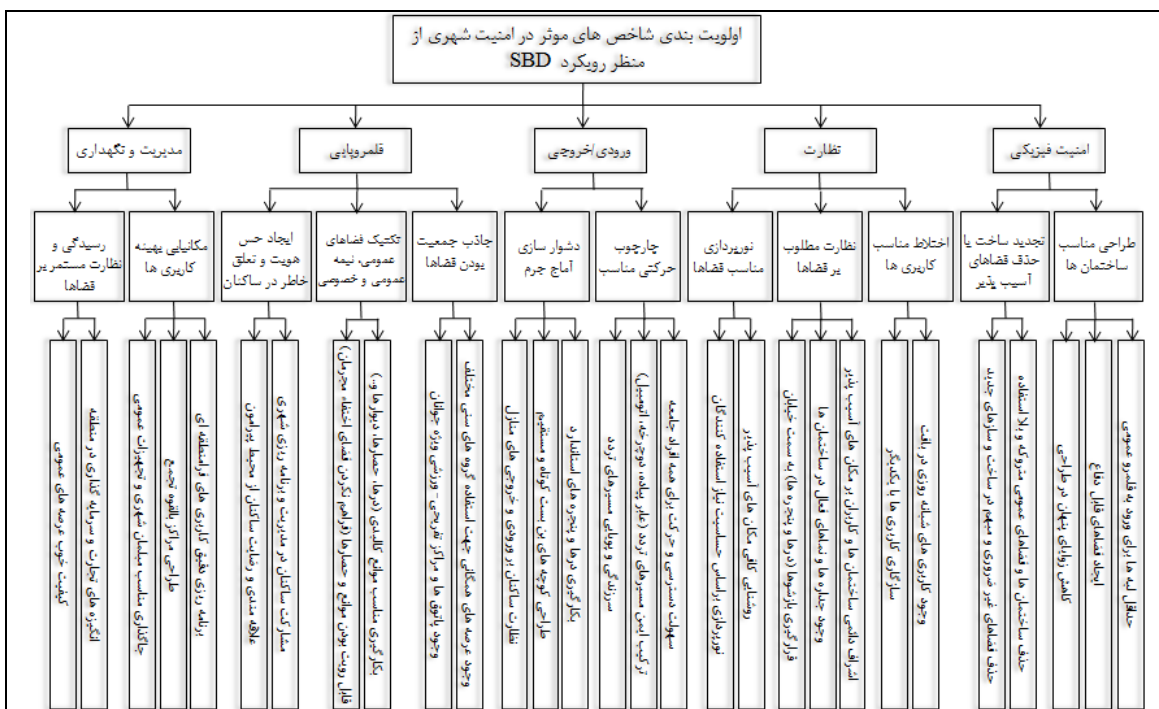
ورودی/خروجی: به منظور اجتناب از ورود غیر ضروری به املاک خصوصی توسط غیر ساکنین و مجرمین، محدوده‌های SBD به گونه‌ای طراحی شده‌اند که تعداد نقاط ورودی/خروجی کمتر و با نظارت بیشتری را شامل شوند. کنترل دسترسی یا ورودی‌ها شامل راهبردهای غیررسمی یا طبیعی، رسمی یا سازمان یافته و مکانیکی است.

قلمروپایی: مفهومی است در جهت افزایش احساس مالکیت و در نتیجه حساس شدن ساکنان نسبت به حضور بیگانگان. براساس این مفهوم، اگر نقش، هدف و مالکیت یک فضا به طور واضح و مشخص تعیین شده باشد، باید و نبایدهای حضور افراد در محدوده مورد نظر به روشنی مشخص می‌گردد. قلمروپایی متاثر از نظریه فضاهای قابل دفاع اسکار نیومن بوده و بر پایه ایجاد تمایز روشن میان فضاهای عمومی، نیمه عمومی و خصوصی استوار است.

مدیریت و نگهداری: به معنای ایجاد تصویری مثبت و حفظ و نگهداری مداوم محیط ساخته شده است. در راستای تضمین عملکرد موثر محیط، مدیریت و نگهداری از طریق ارتقاء و بهبود تصویر

مرتبط با هر اصل، در سطح چهارم زیرمعیارهای مربوط به هر معیار و در سطح آخر پهنه‌های چهارگانه محدوده مطالعاتی قرار می‌گیرند.

شناسایی شدند. مدل AHP پیشنهادی در ۵ سطح ایجاد گردیده است؛ به این صورت که در سطح اول هدف اصلی ارائه مدل، در سطح دوم اصول رویکرد امنیت از طریق طراحی، در سطح سوم معیارهای



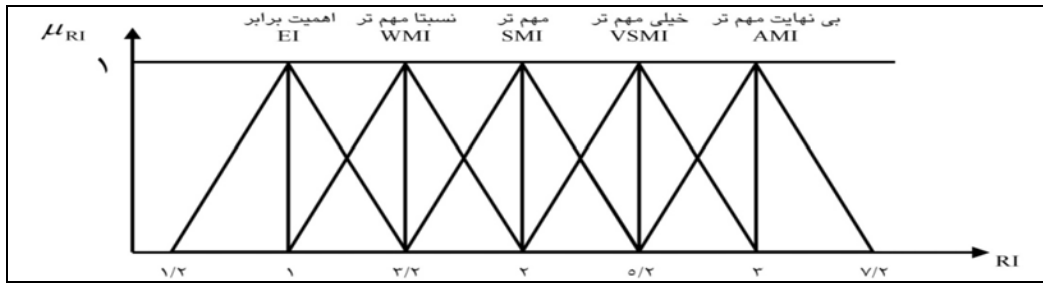
شکل ۳- نمودار مدل سلسله مراتبی AHP فازی پیشنهادی

گردید، وارد شد. نتایج محاسبات این مرحله در ستون اول جدول ۵ قابل مشاهده است.

مرحله سوم- تعیین اولویت اصول اساسی با توجه به هدف، با استفاده از ماتریس مقایسات زوجی (W1). مقیاس‌های فازی مربوط به اهمیت نسبی جهت تعیین وزن‌ها، در شکل ۲ و جدول ۴ نشان داده شده است. این مقیاس توسط Kahraman پیشنهاد گردید (Kahraman, 2006) و برای حل مسائل تصمیم گیری فازی مورد استفاده قرار گرفت. ماتریس‌های مقایسات زوجی مولفه‌ها در نرم افزار صفحه گسترده Excel که به منظور حل مسائل AHP فازی تهیه

جدول ۴- مقیاس‌های زبانی برای بیان درجه اهمیت

مقیاس‌های زبانی برای درجه اهمیت	اعداد فازی	معکوس اعداد فازی
عینا یکسان	(1,1,1)	مثلی (1,1,1)
اهمیت برابر یا عدم ترجیح	(1/2,1,3/2)	مثلی (2/3,1,2)
نسبتاً مهمتر	(1,3/2,2)	مثلی (1/2,2/3,1)
مهم تر	(3/2,2,5/2)	مثلی (2/5,1/2,2/3)
خیلی مهمتر	(2,5/2,3)	مثلی (1/3,2/5,1/2)
بی نهایت (کاملاً مهم تر)	(5/2,3,7/2)	مثلی (2/7,1/3,2/5)



شکل ۴- مقیاس‌های زبانی برای بیان درجه اهمیت

مرحله پنجم- محاسبه وزن کلی زیرمعیارها (w3(Global)). در این مرحله به منظور تعیین وزن نهایی زیرمعیارها، وزن اصول، معیارها و زیرمعیارها تلفیق می‌شوند. وزن نهایی هر زیرمعیار به وسیله ضرب کردن وزن محلی زیرمعیارها در وزن معیار متناظر در وزن اصل متناظر با آن به دست می‌آید

$$W_3(\text{Global}) = W_1 \times W_2 \times W_3(\text{Local})$$

مرحله چهارم- تعیین وزن محلی معیارها (w2) و زیرمعیارها (w3(Local)) و آترناتیوها. در این قسمت فرایندی مشابه مرحله ۳ به منظور تعیین اهمیت نسبی معیارها با توجه به اصل بالادست (اصل متناظر واقع در سطح بالای سلسله مراتب) و وزن نسبی زیرمعیارها با توجه به معیار سطح بالاتر و همچنین وزن نسبی پهنه‌های چهارگانه با توجه به زیرمعیار سطح بالاتر انجام می‌گیرد (جدول ۵).

جدول ۵- مدل سلسله مراتبی با وزن‌های کلی و محلی

پهنه ۴	پهنه ۳	پهنه ۲	پهنه ۱	زیرمعیار		معیار (W2)	اصل (W1)
				Global $W_3(\text{Global})$	Local $W_3(\text{Local})$		
0.54	0.35	0.06	0.06	0.019	0.097	(0.68)	(0.29)
0.54	0.35	0.06	0.06	0.110	0.558		
0.43	0.14	0.32	0.10	0.068	0.345	(0.32)	
0.37	0.37	0.22	0.04	0.046	0.5		
0.34	0.51	0	0.15	0.046	0.5	(0.345)	
0.09	0.42	0.24	0.24	0.019	0.32		
0.51	0.15	0.34	0	0.040	0.68	(0.558)	(0.17)
0.34	0.34	0.16	0.16	0.031	0.33		
0.34	0.51	0	0.15	0.031	0.33	(0.097)	
0.54	0.35	0.06	0.06	0.032	0.34		
0.25	0.45	0.05	0.25	0.011	0.68	(0.32)	
0.35	0.54	0.06	0.06	0.005	0.32		
0.51	0.15	0.34	0.00	0.007	0.345	(0.68)	(0.06)
0.34	0.51	0.15	0.00	0.011	0.558		
0.35	0.54	0.06	0.06	0.002	0.097	(0.68)	
0.06	0.54	0.06	0.35	0.004	0.097		
0.51	0.34	0.15	0	0.014	0.345	(0.097)	(0.22)
0.35	0.54	0.06	0.06	0.023	0.558		
0.54	0.35	0.06	0.06	0.011	0.5	(0.32)	
0.37	0.37	0.04	0.22	0.011	0.5		
0.51	0.34	0.15	0	0.083	0.68	(0.558)	(0.25)
0.35	0.54	0.06	0.06	0.039	0.32		
0.34	0.34	0.16	0.16	0.052	0.68	(0.345)	
0.35	0.54	0.06	0.06	0.024	0.32		
0.15	0	0.51	0.34	0.045	0.558	(0.32)	
0.34	0.51	0	0.15	0.028	0.345		
0.47	0.18	0.18	0.18	0.008	0.097	(0.68)	
0.51	0.34	0	0.15	0.054	0.32		
0.35	0.54	0.06	0.06	0.116	0.68		

یکدیگر جمع می‌شوند. وزن نهایی گزینه‌ها در ستون آخر جدول قابل مشاهده است. همچنین وزن گزینه‌ها به تفکیک اصول امنیت از طریق طراحی در جدول ۶ مشاهده می‌شود.

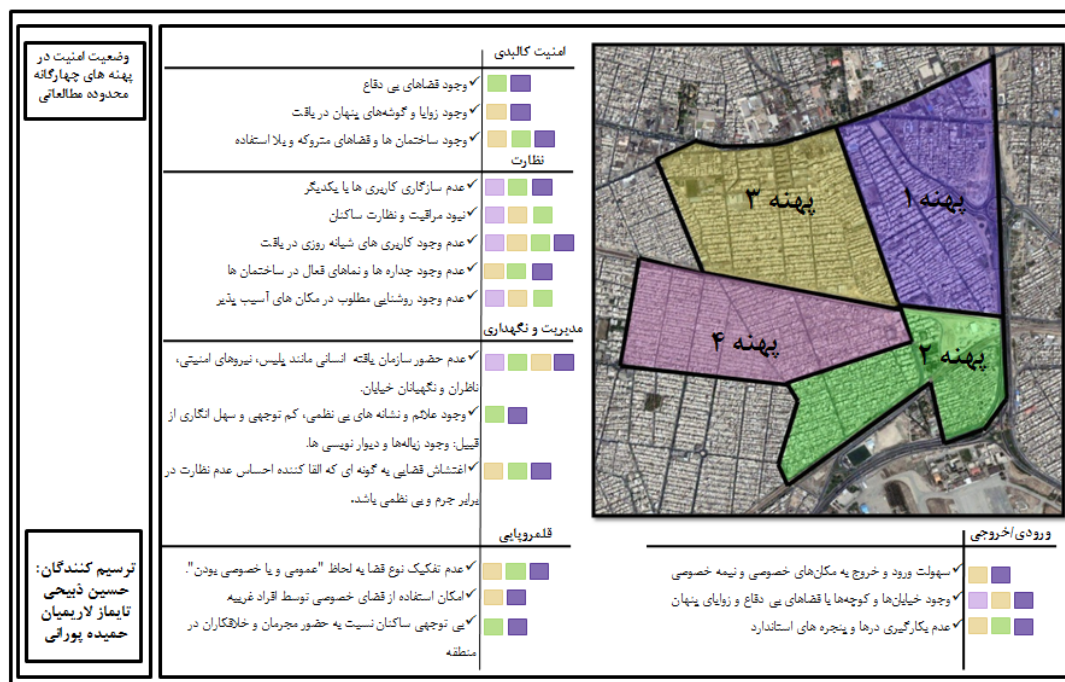
مرحله ششم - محاسبه وزن نهایی گزینه‌ها (پهنه‌های چهارگانه) و انتخاب مناسب‌ترین پهنه. برای بدست آوردن این مقادیر، هر سطح از ماتریس گزینه‌ها در جدول ۵ در وزن نهایی زیرمعیار متناظر با آن ضرب شده و سپس مقادیر این ستون‌ها با

جدول ۶- وزن نهایی پهنه‌های چهارگانه محدوده مطالعاتی

وزن نهایی	مدیریت و نگهداری (0.25)	قلمروپایی (0.22)	ورودی/خروجی (0.06)	نظارت(0.17)	امنیت فیزیکی(0.29)	
0.096	0.081	0.113	0.046	0.067	0.142	پهنه ۱
0.130	0.135	0.152	0.127	0.116	0.122	پهنه ۲
0.369	0.327	0.351	0.446	0.401	0.386	پهنه ۳
0.404	0.457	0.384	0.381	0.417	0.350	پهنه ۴

پهنه‌های چهارگانه ناحیه ۳ از منطقه ۱۷ شهرداری تهران را به صورت شکل ۵ نمایش داد.

با توجه به محاسبات و تحلیل‌های انجام شده، می‌توان وضعیت شاخص‌های گوناگون تامین کننده امنیت به تفکیک هریک از اصول رویکرد، در



شکل ۵- وضعیت امنیت در پهنه‌های چهارگانه محدوده مطالعاتی

۴- نتیجه‌گیری

رویکرد بکار رفته در این پژوهش «امنیت به وسیله طراحی» (Secured by Design) به عنوان رویکردی جدید در عرصه طراحی و برنامه ریزی شهری، به همراه اصول، اهداف و مزایای آن معرفی گردیده است. در واقع می‌توان امنیت از طریق طراحی را رویکردی مناسب برای تحقق شهری ایمن دانست که بر اساس آن با به کارگیری طراحی مناسب و هدفمند محیط انسان ساخت، معماران و شهرسازان می‌توانند مجال ترس از جرم و تبهکاری را کاهش داده و کیفیت زندگی را بهبود بخشند.

هدف از ارائه این پژوهش بکارگیری تکنیک سلسله مراتبی فازی در ناحیه ۳ از منطقه ۱۷ شهرداری تهران، برای دستیابی به دو مقصود اصلی است: نخست ارزیابی و اولویت بندی شاخص‌ها، معیارها و زیرمعیارهای موثر در توسعه امنیت شهری در محدوده مطالعاتی و دوم رتبه‌بندی پهنه‌های چهارگانه ناحیه ۳ از منطقه ۱۷ شهرداری تهران براساس میزان امنیت شهری.

مطابق بررسی‌های انجام شده، در این پژوهش برای نخستین بار به ارائه مدلی از شاخص‌ها، معیارها و زیرمعیارهای موثر در ارتقاء ایمنی شهری مطابق رویکرد امنیت از طریق طراحی پرداخته شده است و سپس هر یک از این شاخص‌ها و معیارها با بکارگیری تکنیک تحلیل سلسله مراتبی فازی اولویت بندی و رتبه بندی گردیده‌اند. بدین منظور مدل تحلیلی پیشنهادی از ۵ اصل، ۱۲ معیار و ۲۹ زیر معیار بومی سازی شده تشکیل شده است.

طبق نتایج بدست آمده از جدول شماره ۵، از میان اصول پنج گانه این رویکرد، «امنیت فیزیکی» با وزن

۰.۲۹ بیشترین نقش را در برقراری امنیت محدوده مطالعاتی بر عهده دارد. همچنین «ورودی/خروجی» با وزن ۰.۰۶ کمترین میزان نقش را برعهده دارد. از سوی دیگر، از میان معیارهای بررسی شده، «طراحی مناسب ساختمان‌ها»، «دشوارسازی آماج جرم» و «رسیدگی و نظارت مستمر بر فضاها» به ترتیب تاثیرگذارترین معیارها در ایمن سازی محدوده مطالعاتی هستند. همچنین نتایج بررسی زیرمعیارها تعیین می‌نماید که «کیفیت خوب عرصه‌های عمومی»، «ایجاد فضاهای قابل دفاع» و «استفاده مناسب از موانع فیزیکی» به ترتیب با وزن‌های ۰.۱۱۶، ۰.۱۱۰ و ۰.۰۸۳ بیشترین سهم را در ایجاد امنیت شهری دارند.

همان گونه که از جدول ۶ مشهود است، در این جدول وضعیت امنیت پهنه‌های چهارگانه محدوده مطالعاتی به تفکیک هر یک از اصول رویکرد و همچنین وزن نهائی هر یک از این پهنه‌ها مشخص است. در نهایت، نیز نتایج حاصله نشان می‌دهد که پهنه ۴ با میزان امنیت ۰.۴۰۴ ایمن‌ترین پهنه است. همچنین پهنه ۱ با وزن ۰.۰۹۶ کمترین میزان امنیت را در بین پهنه‌های چهارگانه ناحیه ۳ دارا است.

۵- پیشنهادها

رویکرد امنیت از طریق طراحی به عنوان رویکردی هدفمند در جهت طراحی کارآمد و هوشمندانه به منظور کاهش جرائم، می‌تواند نقش موثری در افزایش سرمایه اجتماعی، بهبود کیفیت زندگی و افزایش میزان رضایتمندی شهروندان، در مناطقی مانند ناحیه ۳ از منطقه ۱۷ شهرداری تهران که با مسائل کالبدی و ناامنی ناشی از آن روبرو هستند، داشته باشد. در بخش پایانی به ارائه استراتژیهای اخذ

شده براساس نتایج و یافته‌های پژوهش پرداخته شده است. این استراتژی‌ها بر مبنای هر یک از اصول

رویکرد امنیت از طریق طراحی و به تکنیک پهنه‌های چهارگانه محدوده مطالعاتی ارائه گردیده‌اند.

جدول ۷- استراتژی‌های پیشنهادی برای ارتقاء امنیت شهری

	استراتژی‌ها	A1	A2	A3	A4		استراتژی‌ها	A1	A2	A3	A4
تعمیر و نگهداری	حفاظت در مقابل واندالیسم تجهیزات شهری و تعمیر و اصلاح سریع این آثار توسط شهرداری		*	*	*	تعمیر و نگهداری	بکارگیری مستمر فضا بوسیله کاربران از طریق راهکارهای طراحی محیطی	*	*		
	استفاده از مصالح مقاوم در مقابل استفاده روزانه و خرابکاری های عمدی		*	*	*		افزایش نظارت های طبیعی و گسترش حس مالکیت از طریق نهادهای اجتماعی	*	*		
	نگهداری و تعمیر تجهیزات شهری مانند تابلوها و علائم ارتباطی و به خصوص چراغهای روشنایی		*	*			در نظر گرفتن کاربری های مختلط جهت ایجاد تنوع در بدنه ها و از بین بردن یکنواختی در بدنه	*	*	*	
	سرعت عمل خدمات شهری در جمع آوری و پاکسازی پسماندهای فیزیکی و نخاله های رها شده		*				تعریف کاربری های فضایی- عملکردی جهت جذب جمعیت و ترغیب فعالیت های اجتماعی	*	*	*	*
	اصلاح فرم کنج های پنهان و طراحی مجدد آنها به منظور جلوگیری از غافلگیری		*		*		تزیین کاربری های متنوع و جذاب گروههای مختلف سنی و جنسی در فضاهای متروکه و رها شده منطقه	*	*		
	دشواری سازی دستیابی به اهداف مجرمانه (سخت کردن آماج جرم)		*	*	*						
فقران	جای دهی کاربری های خرد تجاری مانند کیوسک های تلفن و روزنامه فروشی در نواحی جرم خیز		*	*		فقران	افزایش سرزندگی و پویایی فضاها	*	*	*	
	جایگزینی کاربری های جذاب جمعیت در مناطق با دید و نظارت کم		*				تقویت حس تعلق ساکنان به منطقه از طریق ایجاد فضاهای جمعی سرزنده	*	*	*	*
	افزایش حضور پلیس در محدوده از طریق استقرار دائمی نیروی انتظامی و با گشتهای موقت		*				تفکیک مشخص فضاهای عمومی، نیمه عمومی و خصوصی	*	*	*	
	استفاده از دوربینهای مداربسته در نقاط مهم مانند ورودیها، درون راهروها و نقاط دور از دید ناظران		*		*		تقویت حس مکان و هویت محله از طریق حفظ عناصر و نشانه های هویت بخش و برانگیزاننده خاطرات	*	*		
	تخصیص پهنه فضا با از بین بردن راهروهای تودرتو و فضاهای کنج و تاریک و افزایش میدان دید و در نتیجه سخت تر شدن ارتکاب جرم		*		*		تزیین کاربری های فعال در طول شب به صورت پراکنده در بافت جهت ارتقاء حس امنیت در شهروندان	*	*		
	نورپردازی مطلوب و کافی و رعایت استانداردهای میلمان شهری		*		*		استفاده از زیرساخت های شهری مناسب مانند پوشش کف، جداره و محوطه سازی	*	*		
	جایگزینی بازشوها (درها، پنجره ها و...) رو به خیابان و فضاهای عمومی (افزایش چشمان ناظر بر خیابان)		*				منظرسازی فضا بر اساس معیار های افزایش دهنده دید و نظارت عمومی	*	*	*	
تداوم بصری میان ناظر و فضا		*			آگاهی و اطلاع رسانی به مردم نسبت به فواید اجرای اصول SBD در محله	*	*	*	*		

	ایجاد جذابیت فیزیکی و عملکردی به منظور افزایش حضور مردمی	*				مشارکت دادن ساکنان و کسبه محل در تمام مراحل تهیه و اجرای طرح امنیت به منظور جلب اعتماد مردمی و ارتقاء حس تعلق آنها	*	*	*	*
ورودی/خروجی	بهبود شبکه معابر با رعایت سلسله مراتب دسترسی	*				بهبود محیط فیزیکی و امنیت شهری از طریق افزایش امکانات و خدمات	*	*		
	بن بست نمودن برخی معابر فرعی متصل به خطوط راه آهن	*				بازسازی، نوسازی و بهسازی فضاهای متروکه و بافت های فرسوده به عنوان عوامل بروز ناامنی در محدوده	*	*		*
	تعریف ورودی های مشخص به داخل ساختمان ها	*			*	غلبه بر آلودگی‌های محیطی ناشی از عبور خطوط راه آهن از میان بافت منطقه	*	*		
	ایجاد نظارت مستمر و همه جانبه بر ورودی‌ها	*			*					
	درنظرگیری استانداردهای امنیتی در بازشوها (درها، پنجره ها و...)	*			*					

Atlas, R (2000). "Atlas safety and security design, INC." from <http://www.cpted-security.com>.

Brown, B. B. and I. Altman (1999). "Territoriality, defensible space and residential burglary: An environmental analysis." *Journal of Environmental Psychology* 3(3), PP. 203-220.

Cohen, L. E. and M. Felson (1979). "Social change and crime rate trends: A routine activity approach." *American sociological review*: 588-608.

Cozens, P. (2002). "Sustainable urban development and crime prevention through environmental design for the British city. Towards an effective urban environmentalism for the 21st century." *Cities* 19(2): 129-137.

Cozens, P., T. Pascoe, et al. (2004). "Critically reviewing the theory and practice of secured-by-design for residential new-build housing in Britain." *Crime Prevention & Community Safety* 6(1), PP. 13-29.

Cozens, P. M., G. Saville, et al. (2005). "Crime prevention through environmental design (CPTED): a review and modern bibliography." *Property Management* 23(5), PP. 328-356.

منابع

صالحی، اسماعیل، (۱۳۸۳)، عوامل فضایی و کالبدی موثر در پیدایش آنومی در محله‌های شهری، چکیده مقالات همایش توسعه محله‌ای چشم انداز توسعه پایدار شهر تهران، تهران.

احمدی، علی اصغر، (۱۳۸۵)، امنیت و احساس امنیت، فصلنامه تخصصی و کاربردی مطالعات امنیت اجتماعی، شماره چهارم و پنجم، تهران، انتشارات آشنایی، ۶۸-۵۶.

Armitage, R. (1999). "An evaluation of secured by design housing schemes throughout the West Yorkshire area." University of Huddersfield.

Armitage, R. (2000). "An evaluation of secured by design housing within West Yorkshire." Home Office Briefing Note 7, PP. 1-4.

Armitage, R. (2004). Secured by design-an investigation of its history, development and future role in crime reduction, The University of Huddersfield. Doctor of Philosophy thesis, PP. 15.

Armitage, R. and L. Monchuk (2009). "Reconciling security with sustainability: the challenge for eco-homes." *Built Environment* 35(3), PP. 308-327.

- Monchuk, L. and R. Armitage (2010). "1999 to 2009: Re-Evaluating Secured by Design (SBD) Housing in West Yorkshire".
- Newman, O. (1973). *Defensible Space People and Design in the Violent City*. London, Architectural Press, pp.110-112.
- Pascoe, T. and P. Topping (1999). "Secured by design: assessing the basis of the scheme." *International Journal of Risk Security and Crime Prevention* 2, PP. 161-174.
- Partnership, H. M. (2004). *Safer places: the planning system and crime prevention*, Thomas Telford.
- Pyle, G. F., E. W. Hanten, et al. (1974). *The spatial dynamics of crime*, University of Chicago, Dept. of Geography, 63-64.
- Smith, S. J. (1984). "Crime in the News ".*Brit. J. Criminology*, PP. 289.
- Harries, K. D. (1974). "The geography of crime and justice." New York, pp. 96.
- Jacobs, J. (1961). *The death and life of great American cities*. New York, Vintage Books, pp.45-52.
- Jeffery, C. R. (1971). *Crime prevention through environmental design*, Sage Publications Beverly Hills, pp.78-80.
- Kahraman, C., T. Ertay and Buyukozkan, G. (2006), "A fuzzy optimization model for QFD planning process using analytic network approach", *European Journal of Operational Research*, 171, pp.390-411.
- Kelling, G. L. and J. Q. Wilson (1982). "Broken windows." subscription). *Atlantic Monthly*.
<http://www.theatlantic.com/doc/198203/broken-windows>.